

بررسی اسطوره و نماد قوچ در فرهنگ ایران باستان با محوریت قوچ‌های سنگی چهارمحال و بختیاری

عاطفه قربانی قهفرخی*^۱، علی یزدانی راد^۲، طاهره براتی ارداجی^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ایران‌شناسی گرایش تاریخ دانشگاه یزد

۲- دکترای تاریخ ایران باستان عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه یزد

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ایران‌شناسی گرایش تاریخ دانشگاه یزد

atefehghorbani@stu.yazd.ac.ir

چکیده:

سنگ قبرها دارای ارزش سمبلیک و نمادین می باشند. از میان این سنگ قبرها می توان به تندیس‌های سنگی شیر و قوچ اشاره کرد. این تندیس‌ها صرفاً جنبه تزیینی نداشته و علاوه بر اشاره مستقیم به پاره‌ای مفاهیم، سندی هستند که ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی دوران خود را بازگو می کنند و به عنوان جزئی از اجزای شکل دهنده فرهنگ مردم ایران، رمز و رازهای زیادی را در خود دارند که گشودن هر یک از این رموز می تواند قسمتی از فرهنگ و ذهنیت مردمان گذشته را برای ما بازگو کند. تحقیقاتی که در مورد آنها انجام پذیرفته بیشتر با محوریت شیرهای سنگی بوده و می توان گفت در این میان تندیس‌های قوچ سنگی در حاشیه شیرهای سنگی قرار گرفته و کمتر تحقیقی به بررسی مستقیم آنها پرداخته است همچنین تحقیقات بیشتر حول شکل ظاهری تندیس‌ها، اهمیت زیباشناختی با نگاهی گذرا به تاریخچه آنها بوده و کمتر به بررسی نقش نمادین و جایگاه آنها در فرهنگ سمبلیک و ارتباط آنها با اسطوره‌ها و نمادهای باستانی ایران پرداخته شده است. اطلاعات و داده‌های نوشتار حاضر با بررسی‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است و با استفاده از شیوه تحلیلی- توصیفی بررسی شده‌اند. نتایج حاصل از این نوشتار بیانگر آن است که قوچ‌های سنگی با اسطوره و نماد قوچ در گذشته پیوند دارند.

کلمات کلیدی: قوچ سنگی، تندیس سنگی، فره ایزدی، نماد قوچ

۱- مقدمه

تندیس‌های سنگی مقبره‌ها را از سنگ‌های موجود در مناطق می تراشیدند و بر قبر افرادی خاص قرار می دادند. در ایران این تندیس‌ها به شکل حیواناتی نظیر شیر، قوچ و در مواردی بسیار نادر به شکل اسب قابل مشاهده‌اند. (تناولی، ۱۳۸۸: ۸۲). از این میان شیرهای سنگی بیشتر مورد توجه محققین قرار گرفته‌اند و پژوهش‌های زیادی با محوریت آنها اعم از بررسی خود شیرها و ارتباطشان با عقاید و اسطوره‌های پیشین، صورت پذیرفته است که در این میان می توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: مقاله «هنر شیرسنگی در فرهنگ بختیاری» چاپ شده در کتاب جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری. نوشته عباس قنبری عدیوی. (۱۳۹۰) انتشارات نیوشه شهرکرد. کتاب «شیرسنگی در بختیاری» نوشته عباس قنبری عدیوی. (۱۳۹۳) انتشارات نیوشه شهرکرد. پایان نامه «نگاهی نوین به حفاظت شیرسنگی در قبرستان‌های تاریخی استان چهارمحال و بختیاری» (پدیدآورنده: نرجس زمانی، دانشگاه هنر اصفهان، (۱۳۸۸)). در مورد نماد قوچ مقاله «نقش قوچ در آیین‌های وابسته به ایزدبانویزرگ در لرستان» نویسندگان: بهارمختاریان و سجاد شکری (۱۳۹۰) پژوهش‌های انسان شناسی ایران شماره ۱. نوشته شده است. اما در مورد قوچ‌های سنگی فقط به اشاره‌ای کوتاه در پژوهش‌هایی با محوریت شیرسنگی اکتفا شده و کمتر پژوهشی به طور مستقل

به آنها پرداخته‌است به جز مستندی که با عنوان قوچ‌های سنگی آذربایجان به نویسندگی و کارگردانی مجید فتحی و تهیه کنندگی انجمن سینمای جوانان تبریز که در تاریخ دهم اسفند ۱۳۹۴ از شبکه مستند پخش گردید که در این مستند نیز به ارتباط قوچ‌های سنگی با نماد قوچ در ایران باستان اشاره‌ای نشده‌است.

پرسش‌ها و هدف تحقیق

- استفاده فراوان از نماد قوچ در فرهنگ ایران و قراردادن مجسمه آن به روی قبور به علت وجود کدام معیارها در جامعه ایرانی است؟
 - آیا استفاده از تندیس قوچ به روی برخی قبور ادامه سنت‌های دیرین و همسو با نقش سمبلیک قوچ در فرهنگ ایران باستان است؟
 - آیا قوچ‌های سنگی با فره ایزدی ارتباطی دارند؟
- بدین منظور پژوهش حاضر کوشیده است با انجام تحقیقات با محوریت استان چهارمحال و بختیاری کارکرد نصب تندیس‌های قوچ را بررسی و ضمن مطالعه نماد قوچ در ایران، ارتباط قوچ‌های سنگی را با نقش قوچ در فرهنگ سمبلیک ایران باستان مورد مطالعه قرار دهد.

۲- شکل‌گیری اسطوره‌ها و نمادهای حیوانی

عوامل زیادی در تبدیل حیوانی خاص به اسطوره نقش آفرینند اما به طور کلی می‌توان گفت این قبیل اسطوره‌ها حکایت از زمانی دارد که زندگی انسان و حیوان هنوز از هم متمایز نشده بود (استروس، ۱۳۷۶: ۹۳). زمانی که نیاکان ما با گیاهان و جانوران ارتباط نزدیکی داشتند که حتی نام آنها را بر خود می‌نهادند و از آیین‌های توتمی پیروی می‌نمودند. توتم عبارت است از یک حیوان یا درخت خاص که افراد منشا و اصل خود را از آن می‌دانستند و با دخل و تصرفاتی آن را از سنگ یا چوب می‌ساختند. آیین توتمی یکی از ابتدایی‌ترین آیین‌های دنیا می‌باشد. توتم معمولاً به عنوان یادمانی از نیاکان و بزرگان یک طایفه عمل میکند بسیاری از مجسمه‌های حیوانات و گیاهان دیده می‌شود که نزد افراد آن سرزمین به صورت توتم اولیه بوده و بعدها جنبه ی پرستش و تقدس یافته است (سعیدی مدنی، ۱۳۸۸: ۱۷۷ و ۱۸۲ و ۱۸۳).

اسطوره‌ها و نمادها در اصل بیان تصویری از طبیعت پیرامون به نیروی خیال پردازی اند (دومزیل، مستتر، کایوا، گودورف و ماگوشی، ۱۳۷۹: ۵۰). و بنابه گفته‌ی یونگ «هر چیزی می‌تواند اهمیت سمبلیک پیدا کند» (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۶۵). اما آن چیزی که تبدیل به نماد یا سمبل می‌گردد طبیعتاً مورد قبول عام بوده و همچنین بیانگر یک سری صفات منحصر به فرد یا حقیقی خاص می‌باشد (Turner ۱۹۷۵: ۱۵۱). این سمبل‌ها و نمادها مجسم‌کننده ارزش‌های یک فرهنگ اند (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۷) و نقش فعالی در معنا دادن به رفتارهای اجتماعی یک قوم دارند (Hodder ۱۹۸۲: ۱۲).

۲-۱- اهمیت یافتن قوچ و تبدیل شدن به نماد

در اقتصاد دوران نوسنگی تحولاتی رخ داد که یکی از آنها حضور قوچ، نخستین جانور اهلی است و از این پس تحولات دیگری مانند بافندگی و ریسندگی بوجود می‌آید. (جیمبوتاس، ۱۹۸۹: xxii) همچنین از این زمان گوسفند منبع غذایی مهمی شد و قوچ به عنوان یاری‌گر تولیدمثل و زایش گوسفندان اهمیت فراوان یافت. (جیمبوتاس، ۱۹۹۱: ۲۳۵) و از این زمان نقش قوچ و شاخ قوچ در سفال‌های دوره نوسنگی بسیار رایج شد و این نقش‌ها در آناتولی و یونان به وفور دیده می‌شود. (جیمبوتاس، ۱۹۸۹: ۵۷ و ۹۷) بنابر این نقش مهمی که قوچ در زندگی مردم یافت و تحولاتی که پدید آورد زمینه ساز تبدیل شدن آن به یک نماد پر اهمیت را فراهم ساخت.

۲-۲- نماد قوچ و جایگاه آن در فرهنگ ایران

نقش جانوران شادخار از همان آغاز، موضوع هنر ایرانی بوده و نمایش این جانوران علاوه بر این که نماد باروری بوده اند؛ به سبب تاثیر عقاید جادویی یا مذهبی نیز انجام می گرفته همچنین شاخ قوچ را نماد آفرینش و شعاع نور دانسته اند. نشانه های زیادی از قوچ و شاخ های آن از دوران باستان بر جای مانده. همچنان که در سفالینه های بدست آمده از مارلیک مجسمه های قوچ زیادی وجود دارد (پوپ، ۱۳۸۸: ۲۲ و ۲۱).



شکل ۲- سر قوچ به روی ورقه طلا، تپه حصار، (پوپ، ۱۳۸۸: ۴۱)



شکل ۱- تندیس قوچ، مفرغ های ریختگی لرستان، (پوپ، ۱۳۸۸: ۲۹)

در فرهنگ عیلامی نیز هوسا که یکی از خدایان ناشناخته است، سمبلی به شکل سر یک قوچ دارد. اسم وی از آثار باقی مانده دو نفر از پادشاهان عیلامی مشخص گردیده است. اولین بار هیتا از سلسله اوان^۱ نام این خدا را در متن قرارداد دوستی خود با پادشاه آکد آورده و دومین بار و آخرین بار تمپت هومبان اینشوشیناک^۲ پادشاهی از سلسله عیلام نو قبل از سقوط دولت عیلام از این خدا روی سنگ آهکی مکشوفه از شوش یاد می کند (صراف، ۱۳۸۴: ۴۶ و ۴۲ و ۲۰۴).

در فرهنگ آریایی های مهاجر نیز رد پای قوچ را می بینیم از جمله در فرهنگ زرتشتی از جلوه های ایزد بهرام قوچ است. «اله بهرام از نظر ایرانیان بر شرارت آدمیان و دیوان غالب می آید و نادرستان و بدکاران را به عقوبت گرفتار می کند. همچنین بهرام از نظر نیرو، نیرومندترین، از نظر پیروزی، پیروزمندترین و از نظر فره فرهمندترین است» (هینلر، ۱۳۶۸: ۴۱). در یشت ۱۴ آمده است که: «ورثرغنه^۳ (بهرام) یا الهه پیروزی ده تجسم یا صورت دارد که هر کدام از آنها مبین نیروی پویای این خداست» (هینلر، ۱۳۶۸: ۴۰) و در یشت هشتم نیز می خوانیم: «بهرام اهوره هشتمین بار به کالبد قوچ دشتی زیبایی به سوی او روان شد» (اوستا، ۱۳۸۵، ج ۱، ۴۳۵: ۱) به این مفهوم که جلوه ی هشتم ایزد بهرام به صورت قوچ ظاهر می گشته است.

گذشته از این موارد قوچ همچنین نماد ماه اول شمسی نیز هست که با نام حمل خوانده می شود. در توصیف حمل آمده: ماه اول شمسی به صورت میش نر است، صاحب دو شاخ، سر او به طرف مغرب و دم او به طرف مشرق و پشت به شمال یا جنوب دارد و به سوی پشت خود متوجه شده است. روزی که آفتاب در این برج داخل شود همان نوروز است (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ۸۰۸۴) از این رو می توان گفت قوچ نماد طلوع دوره جدید نیز می باشد.

۲-۳- قوچ مظهر فره ایزدی

یکی از مهم ترین و با اهمیت ترین کاربردهای سمبلیک قوچ در فرهنگ ایران، فره ایزدی است. فر در اصطلاح اوستایی حقیقتی الهی و کیفیتی معنوی است که چون بر کسی حاصل شود او را به شکوه و جلال و عظمت معنوی می رساند و صاحب سعادت می کند. (یاحق، ۱۳۸۶: مدخل فر) منبع و نشانه های فره ایزدی در آسمان است و در زمین به دو صورت فره ایرانی و فره کیانی ظهور می کند. (زرشناس، ۳۹۷: ۱۳۷۰) در اوستا در زامیادیشته اهورامزدا به زرتشت می گوید که هر آدمی باید جویای

1 Avan

2 Tempt-Khumban-Inshushinak

3 Vererthaghna

فر(خورنه) باشد تا بهروزی و پیروزی یابد.(سودآور، ۱۳۸۰: ۳) به عبارت دیگر فره موهبت الاهی است فقط مختص شاهان نیست و می‌تواند شامل حال مردمان هم بشود. این خورنه یا فر، گاهی صورت حیوانی به خود می‌گرفت. (ستاری، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۴۸). در مورد پادشاهان ایران مظاهر فر متعدد بود و برحسب موقعیت، مناسب‌ترین آنها را اختیار می‌کردند به عنوان مثال در میدان نبرد شاپور دوم کلاه خودی مرصع به شکل سر قوچ بر سر داشت و در طول زمان هر یک از این مظاهر تحولی داشت چنان‌چه قوچ را با سر بند باد وزیده به روی ظرفی از مفرغ هفت جوش مربوط به قرن ۸-۷ میلادی می‌بینیم و دیرتر به عنوان حیوانی فرخ و خوش یمن در محیط لوطیان و کشتی گیران اصفهان دوره ی عباسی که بسیاری از سنت‌هایشان نشانه‌هایی از آیین جوانمردی مهری گذشته داشت، مشاهده شده است(سودآور، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۲۷). همچنین در یک قالب گچی که در حوالی تیسفون بدست آمده است یک سر قوچ را داریم که دستاری به دور گردنش بسته شده است و روی دو بالک قرار گرفته است. ترکیب قوچ و بالک ودستار در سنگ فرشی در انطاکیه نیز قابل مشاهده است. که این دو نمادی از فره ایزدی اند که به روی تاج پادشاهان ساسانی نیز ظاهر شده اند(سودآور، ۱۳۸۳: ۲۳ و ۲۴ و ۲۵).



شکل ۳: تاج پادشاهان ساسانی به شکل مظهری از فره. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۳۱۵)

در کارنامه اردشیر بابکان آمده زمانی که اردوان در پی اردشیر بود به جایی رسید و نشان اردشیر را از مردم پرسید: «از مردمان پرسید آن دو سوار چه گاه بگذشتند؟ ایشان گفتند که نیمروز ایدون چون باد تندرو همی شدند. ایشان را قوچی^۱ هم رو همی رفت. اردوان را شگفت آمد و گفت که انگار که سوار دوگانه رادانیم، به آن قوچ چه سزد بودن و از دستور پرسید. دستور گفت که آن فر خدایی و کیانی است» (فره وشی، بی تا: ۳۹). این داستان در شاهنامه فردوسی بدین سان نقل گردیده است:

به دستور گفت آن زمان اردوان
چنین داد پاسخ که آن فر اوست
که این گرم باری چرا شد روان
به شاهی و نیک اختری پر اوست
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۵۴/۶-۲۹۹/۳۰۰)

۵. این واژه در همه نسخه‌های کارنامه rak به معنی قوچ آمده ولی در نسخه ی "آنتیا" به اشتباه varak به معنای بره آمده و در برخی ترجمه‌ها از جمله ترجمه صادق هدایت بره ترجمه شده که نادرست است. به گفته آقای فره وشی حتی اگر این مطلب که در نسخه اصلی قوچ نوشته شده نه بره را هم در نظر بگیریم از نظر آناتومی نیز هیچ گاه یک بره نمی‌تواند همپای اسب بدود پس بدون شک فره همان قوچ بوده نه بره.(فره وشی، بی تا: اورقی ص ۳۹)

۶. در شاهنامه قوچ به لفظ گرم آمده است(ابوالعلا سودآور، ۱۳۸۳: پاورقی ص ۲۱)

در هفت خوان رستم نیز گرمی اهورایی که نماد فره ایزدی است به رستم نمایان شده و او را به سمت چشمه هدایت می‌کند:

بیفتاد رستم بر آن گرم خاک
همان گه یکی گرم فرین سرین
زبان گشته از تشنگی چاک چاک
به ره بریکی چشمه آب دید
بپیمود پیش تهمتن زمین
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۱۷ و ۳۱۲/۲۴/۲)
که گرم دل آرام آنجا رسید

قوچ علاوه بر اینکه نماد فره ایزدی است نماد شاهنشاهی ایران نیز بوده است به طوری که به در کتاب دانیال از زبان دانیال آمده است:

«در کشور عیلام بودم در خواب قوچی را دیدم که به سمت شمال و جنوب و مغرب شاخ زنان پیش می‌رفت و هیچ حیوانی در برابرش مقاومت نتوانست کرد تا اینکه بز نری از مغرب به روی تمامی زمین می‌آمد و به نزد آن قوچ رسید و با شدت غضب او را زد و به زمین افکند و پایمالش کرد و کسی نبود که قوچ را از دستش رهایی بخشد. جبرئیل خواب او را اینچنین تعبیر می‌کند: آن قوچ دو شاخ که دیدی ملوک مداین و پارس است و آن بز نر نمودار پادشاهی یونان است.» (ویلیام گلن- هنری مرتن، ۱۳۸۰: ۱۵۵۷ و ۱۵۵۸)

نماد قوچ به روی پرچم‌های دوره ساسانی نیز قابل مشاهده است:



شکل ۴: پرچم قوچ نشان دوره ساسانی (بختورتاش، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

ترسیم گرم بر درفش در شاهنامه نیز عنوان شده است:

درفشی کجا گرم دارد نشان
ز بهرام گودرز گشوادگان
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۶/۳ حواشی)

همچنین قوچ بر روی سکه‌های ایران باستان نیز نقش شده از آن جمله بر روی سکه ای از یکی از پادشاهان محلی جبل(بیلوس) در زمان هخامنشیان آمده است.



شکل ۵: نقش قوچ بر روی سکه‌های ایران باستان (بیانی، ۱۳۸۱: ۱۳۹)

همچنین سکه های چهار دره می اسکندر مقدونی او را با شاخ قوچ نشان می دهد که علت به کار بردن شاخ قوچ را عده ای نماد خدای آمون مصر می دانند که پس از فتح مصر به روی سکه ها آمده است. (بیانی، ۱۳۸۱: ۱۳۹) و عده ای نیز سبب به کار گیری آن را پیروزی بر پادشاهی ایران می دانند که عنوان نمودن این موضوع نیاز به تحقیقات بیشتر و جامع تری دارد.

اما این میزان از توجه به یک حیوان خاص در ایران ریشه در چه عواملی داشته است؟

از آنجایی که بزرگترها و افراد باتجربه، خود موزه های شفاهی تاریخ اند و باورها و افسانه های زیادی را در سینه خود جا داده اند که نسل به نسل به آنها رسیده است بنابراین پرسیدن نظر آنها در این باره اهمیت دارد. از آقای نیکزاد نظرشان را در مورد اهمیت حیوان قوچ پرسیدم و ایشان در جواب گفتند:

« قوچ در گله نماد هویت گله است چرا که قوچ نقش رهبری گله را بر عهده دارد از طرفی باروری گله توسط قوچ انجام می پذیرد که خود این باروری در اوایل پاییز هر سال با به راه انداختن جشن و رها کردن قوچ ها به درون گله همراه بود و همچنین در زمانهای قدیم برای تعیین قلمرو چرای گوسفندان نبرد هایی بین قوچ های گله انجام می پذیرفت. پیرو این موضوع قوچ نمادی از قدرت و فرمانروایی نیز شناخته می شد. اینکه اهمیت قوچ در معیشت شبانکاری و گله داری تا چه میزان بوده را می توانیم در ادبیات عامه مردم نیز جستجو کنیم به طوری که در اشعار کودکانه رایج میان عامه مردم داریم: ...گرگ زده به گله، دریده قوچ گله... همین مثال ساده نشان می دهد دریده شدن قوچ گله توسط گرگ، اهمیت زیادی داشته و به نوعی اگر گرگ چندین گوسفند از گله را می درید در برابر زمانی که قوچ گله را دریده از اهمیت کمتری برخوردار بود.»

بنابر این همان طور که پیش تر اشاره شد، تحولی که قوچ در دوره نوسنگی در تغذیه مردم و رسیدگی و بافندگی ایجاد کرد آن را به عنوان نمادی با اهمیت در اکثر فرهنگ ها مطرح کرد و در ایران معیشت مبتنی بر کوچ روی و گله داری سبب تداوم و افزایش اهمیت قوچ، که نقشی اساسی در گله داشته، شد و قوچ را به عنوان نمادی مهم و پرکاربرد در فرهنگ ایرانی معرفی نمود. همچنین قوچ ها از ظاهری زیبا برخوردارند و در جوامع سنتی دام ها بر اساس معیارهای زیبا شناختی و شان اجتماعی ارزیابی می شدند (کلور، ۱۴۷: ۱۳۷۹). هانری رنه دالماین در این باره می گوید: «گوسفند و دام های شاخ دار در ایران منبع اصلی ثروتند» (دالماین، ۴۵: ۱۳۶۶) پس ظاهر و شکل قوچ نیز در اهمیت سمبلیک آن موثر بوده است.

مطالب عنوان شده در بالا بیانگر اهمیت حیوان قوچ و کاربردهای گسترده آن به عنوان سمبل و نماد: فره ایزدی، فرمانروایی و رهبری، باروری و آفرینش، برکت و طلوع دوره جدید در ایران است و چنانچه در ادامه به آن خواهیم پرداخت قوچ های سنگی نیز ادامه رو اهمیت سمبلیک قوچ در گذشته هستند.

۴- اهمیت سمبلیک اشیاء سنگی و سنگ قبر:

در ارتباط با اهمیت سمبلیک اشیاء سنگی و این که از چه زمانی به عنوان سنگ قبر مورد استفاده قرار گرفته اند باید گفت: «برای جوامع گذشته سنگ های طبیعی دارای یک معنی بسیار قدیمی بوده اند و سنگ ها غالباً به منزله ی جایگاه ارواح شناخته می شدند» (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۶۵) یعنی به نوعی روح فرد را در سنگ محبوس می دانستند همچنین ساختن بناهای یادبود برای مردگان ریشه در اعتقادات دیگری نیز داشت همچنان که یونانیان معتقد بودند اگر اموات را به نحو شایسته ای مدفون نسازند روح آنها سرگردان خواهد شد (هیس، ۱۳۴۰: ۱۱۱). به طور کلی می توان گفت سنگ قبر اثری است که در نبرد بین چندین مولفه ی: هویت فردی، روابط اجتماعی، ذهن اسطوره شناسی، نظام مفهومی، قومیت و دین ایجاد شده است و به عبارت دیگر زمانی که زندگی فرد به پایان می رسد جوهره ی وجود او را با یادمانی که بر قبر او قرار می دهند، مشخص می کنند (۲: Streiter, Leonhard, Yoann ۲۰۰۷) و در حقیقت یک بنای یادبود برای درگذشتگان یک پیوستگی در زمان ایجاد می کند (برونوفسکی، ۱۳۵۹: ۱۲۷ و ۱۲۸).

در بین النهرین نیز اعتقاد بر این بود که اگر جسد هایی که دفن می شوند رسم تقدیم آب به آنها توسط منسوبان زنده انجام نگیرد به ارواحی سرگردان تبدیل خواهند شد و به زندگان آسیب می رسانند و احتمالاً پیرو همین افکار بود که زندگان پیکرک های یادبودی برای مردگان می ساختند (مک کال، ۱۳۷۳: ۳۹). در ایران تندیس های شیر و قوچ را در انواع مختلف و در اندازه

های متفاوت به عنوان سنگ قبر به روی برخی قبور خاص استفاده می کردند. این تندیس ها به خصوص در نواحی حاشیه رشته کوه زاگرس قابل مشاهده اند.



شکل ۶: شیر سنگی، قدمت نامعلوم، قبرستان روستای گهرو از توابع استان چهار محال و بختیاری (عکاس: قربانی. تاریخ عکاسی: ۹۴/۱/۱۹)



شکل ۷- قوچ سنگی، دوره صفویه، موزه قلعه چالش تر، استان چهار محال و بختیاری (عکاس: قربانی. تاریخ عکاسی: ۹۴/۱/۲۴)



شکل ۸ - قوچ سنگی قرن ۱۸-۱۷ محله شتران تبریز (تناولی، ۱۳۹۲: ۵۴)

۵- قوچ های سنگی

۵-۱- پیشینه تاریخی قوچ های سنگی

به درستی معلوم نیست که رسم ساخت تندیس به عنوان سنگ قبر از چه زمانی در بین مردم ایران معمول گشته ولی آنچه مسلم است این است که این رسم مربوط به دوره های قبل از دوره اسلامی است، چرا که طبق آموزه های اسلامی ساختن تمثال انسان و حیوان از سنگ و چوب امری ناپسند می باشد. (اتینگهاوزن-گراپر، ۱۳۷۸: ۷) از طرفی جهت قرار گرفتن این تندیس ها به سمت طلوع خورشید نیز آیین مهرپرستی را یادآور می شود.

عده ای بر این باورند که رسم قرار دادن قوچ سنگی به روی قبور مربوط به زمان حکمرانی ترکمنان آق قیونلو و قره قیونلو می باشد. این دو قوم که قبل از روی کار آمدن صفویان بر غرب ایران حکومت می کردند و بیرقشان به نقش قوچ و گوسفند مزین بود؛ بر مزار بزرگان خود قوچ سنگی کار می گذاشتند. اگرچه هنوز هم قوچ های سنگی زیادی در مناطق تحت سلطه آنها باقی

مانده است اما ریشه این سنت را باید در زمان کاسی‌ها، اجداد لره‌های امروزی که در هزاره دوم پیش از میلاد در این مناطق می‌زیسته‌اند جستجو کرد. با این حال از میان تندیس‌هایی که به دست ما رسیده چون بیشترشان فاقد تاریخ اند، نمی‌توان قدمت صحیح آنها را مشخص کرد ولی قدیمی‌ترین این قوچ‌ها که تاریخ مشخصی دارند مربوط به قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی می‌باشد. (تناولی، ۱۳۹۲: ۵۲)

۵-۲- علت استفاده از تندیس قوچ روی برخی قبرها و ارتباط قوچ‌های سنگی با نماد قوچ در گذشته

در معیشت مبتنی بر گله‌داری تعداد گوسفندان و شمار گله‌ها بیانگر شان و منزلت اجتماعی افراد بوده به طوری که لقب جمشید در اوستا جم خوب رمه به معنای صاحب گله‌های زیاد است (اوستا، ۴۸۹: ۱۳۸۵). بنابراین علاوه بر سایر جلوه‌های نمادین، قوچ در اینجا به عنوان رهبر و نماد گله، نماد منزلت و جایگاه اجتماعی است. به این مطلب در کتاب التفهیم نیز اشاره شده است. در این کتاب آمده حمل دلالت بر گروهی از مردم و پیشه‌وران دارد از آن جمله ملوک، صریفان و ضرابان و شبانان و دیگران و همچنین هر برجی دلالت بر خوبی دارد همچنان که حمل دلالت بر روی خندان و ملک طبع و بزرگ منش دلالت دارد (التفهیم، ۳۲۵: ۱۳۶۲ و ۳۳۱). به این معنا که در این کتاب نیز قوچ را نماد پادشاه و افرادی که دارای منزلت اجتماعی بوده اند معرفی می‌کند.

بنابراین قوچ هم نماد فرمانروایی و رهبری است و هم نماد جایگاه و منزلت اجتماعی و هم نماد فره ایزدی که همانطور که پیش‌تر اشاره شد فره صرفاً مختص شاه نیست و عموم مردم نیز می‌توانند آن را به دست آورند. به همین دلیل مجسمه سنگی قوچ را بر مزار کدخدایان، بزرگان ایل و افراد صاحب نفوذ که نزد مردم منزلت اجتماعی بالایی داشتند، و به نوعی انسان‌های فرهمندی بودند قرار می‌داده‌اند. به عبارت دیگر کار گذاشتن تندیس قوچ‌سنگی به روی قبر افراد خاص ریشه در نماد و مفهوم قوچ در گذشته (از جمله فره ایزدی) دارد و همان مفاهیم را یادآور می‌شود.

همچنین چون قوچ نماد قدرت و رزمجویی است قراردادن مجسمه آن روی قبور می‌تواند به دلیل دلآوری و شجاعت متوفی نیز باشد و چون نماد طلوع دوره جدید است که در اینجا می‌تواند اشاره به زندگی پس از مرگ داشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که قوچ سمبلی از مردانگی است و به همین جهت فقط به روی قبر مردان قرار می‌گرفته و روی قبر زنان حتی اگر افراد شایسته و قابل احترامی بوده باشند، قوچ‌سنگی قرار نمی‌دادند.

و در کل همان‌طور که گفته شد سنگ قبر به عنوان نماد و هویت شخص متوفی است و یک پیوستگی در زمان ایجاد می‌کند و ساختن تندیس قوچ علاوه بر اینکه در بردارنده مفاهیمی است که در بالا بدان اشاره شد باعث ایجاد نوعی یادمانه و باور بیشتر به حضور شخص در گذشته در میان اقوام و بستگان او می‌شده است.

همچنین ذکر این نکته ضروری است که تعداد قوچ‌های سنگی در استان چهارمحال و بختیاری پس از دوره صفویه به طرز معناداری کاهش یافته و به نوعی شیرسنگی جای آن را گرفته است. به این امر در کتاب تاریخ مجسمه سازی آقای تناولی نیز اشاره شده است:

از راه‌هایی که صفویان برای تحکیم و تداوم مذهب شیعه استفاده کردند استفاده از هنر در خدمت مذهب بود. در رابطه با هنر مجسمه‌سازی، شکل و هیات شیر برای نیل به این مقصود بهترین عامل بود. زیرا علاوه بر این که ایرانیان این شکل را از دیرباز می‌شناختند، آن را نماد حضرت علی (ع) نیز می‌شمردند. چنین بود که صفویان اندام شیر را موضوع اصلی پدیده‌های هنری خود قرار دادند. یکی از این پدیده‌ها استفاده از شیرهای سنگی به عنوان سنگ‌قبر بود که مردم چهارمحال و بختیاری بیشترین بهره را از آن بردند. (تناولی، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۶) این مساله می‌تواند در آینده بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد.

نتیجه گیری

علت توجه زیاد به این حیوان در ایران را می‌توان ویژگی‌های منحصر به فردش عنوان کرد که به واسطه همین ویژگی‌ها به سمبل و اسطوره بدل گردیده است. از طرفی به دلیل وضعیت معیشتی در ایران که همانا اقتصاد مبتنی بر دامپروری و کوچ‌روی

بوده است، به نمادی از باروری، رهبری و قدرت تبدیل گشته همچنین موقعیت جغرافیایی ایران نیز در این مساله بی تاثیر نیست. چرا که قرار گرفتن ایران در مسیر شرق به غرب سبب شده پیوسته محل تاخت و تاز اقوام دیگر بوده باشد پیرو همین مساله حیوانات جنگ جو و قدرتمند فرصت می یافتند تبدیل به اسطوره شوند و همچنین چون یکی از مهم ترین وظایف پادشاه در ایران بر قراری امنیت و پیروزی بردشمنان خارجی و همچنین حفظ مرزها بود، پس قوچ که مظهر قدرت است به عنوان نماد پادشاهی و جلوه‌ای از فره ایزدی ظاهر می‌شد. از آنجایی که فره مختص به پادشاهان نبوده مجسمه قوچ به عنوان سمبلی از شجاعت و نجابت خانوادگی و شاید فره شخص متوفی به روی قبر او قرار می‌گرفت. فراموش نشود که پیش تر گفته شد قوچ بیانگر شروعی دوباره است که همانا زندگی پس از مرگ نیز می‌تواند آغاز جدیدی تصور گردد.

بررسی تندیس های سنگی از منظرهای گوناگون دیگری که در این مقاله مجال پرداختن به آنها نبود قابل بررسی است از جمله نقوش حک شده بر روی آنها و مفاهیم نمادین این نقوش و همچنین بررسی باورهای عامیانه و خرافی که در مورد آنها شکل گرفته است. باشد که در آینده به این قسمت از فرهنگ کشورمان که با بی توجهی در حال از بین رفتن است توجه بیشتری گردد.

منابع

۱. آپهام پوپ، آرتور (۱۳۸۸). *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: بی نا.
۲. اتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابر، الگ (۱۳۷۸). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳. استروس، کلودلوی (۱۳۷۶). *اسطوره ومعنا*، ترجمه شهرام خسروی، تهران: مرکز.
۴. بختورتاش، نصرت‌اله (۱۳۸۴). *تاریخ پرچم ایران*. تهران: بهجت.
۵. بیانی، ملک‌زاده (۱۳۸۱). *تاریخ سکه*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. تناولی، پرویز (۱۳۸۸). *سنگ قبر، چاپ ۱*، تهران: بن گاه.
۷. تناولی، پرویز (۱۳۹۲). *تاریخ مجسمه‌سازی در ایران*. چاپ ۱، تهران: نظر.
۸. دوستخواه، جلیل (۱۳۸۵). *اوستا، تهران: مروارید*.
۹. دومزیل، ژرژ؛ مستتر، جیمزدار؛ کایوا، روژه؛ گودورف، ژرژ؛ ماگوشی، هاسویا (۱۳۷۹). *جهان اسطوره شناسی*، ترجمه جلال ستاری. چاپ ۱، تهران: مرکز.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. رنه دالمین، هنری (۱۳۶۶). *فنون کوچ نشینان بختیاری*، ترجمه اصغر کریمی، مشهد: آستان قدس.
۱۲. روزنبرگ، دونا (۱۳۷۹). *اساطیر جهان داستانها و حماسه ها*، ج ۱. ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: اساطیر.
۱۳. زرنشاس، زهره (۱۳۸۰). *فر و فره در شاهنامه در نوشته‌های سعیدی*، فرهنگ، شماره ۳۸.
۱۴. زنجانی، محمود (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن ایران باستان*، ج ۲، چاپ ۱، تهران: آشیانه کتاب.
۱۵. سعیدی مدنی، سید محسن (۱۳۸۸). *درآمدی بر مردم شناسی و اعتقادات دینی*، چاپ ۱، یزد: دانشگاه یزد.
۱۶. ستاری، جلال (۱۳۸۵). *جهان اسطوره شناسی اسطوره های ایرانی*، تهران: نشر مرکز.
۱۷. سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۳). *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، تهران: نشر مرکز.
۱۸. صراف، محمد رحیم (۱۳۸۴). *مذهب قوم ایلام*، چاپ ۱، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب اسلامی.
۱۹. فره وش، بهرام (بی تا). *کارنامه اردشیر بابکان*، تهران: بی نا.
۲۰. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه (ج ۸-۱)*، به کوشش جلال خاتم‌مطلق و همکاران (محمود امیرسالار ج ۶ و ابوالفضل خطیبی ج ۷)، چاپ ۱، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲۱. کلور، ریویر (۱۳۷۹). *درآمدی بر انسان شناسی*، چاپ ۱، تهران: نی.
۲۲. گلن، ویلیام؛ مرتن، هنری (۱۳۸۰). *کتاب مقدس عهد عتیق و جدید*، ترجمه فاضل خان نظری، چاپ ۱، تهران: اساطیر.
۲۳. مک کال، هنریتا (۱۳۷۳). *اسطوره های بین النهرین*. ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.

۲۴. همایی، جلال الدین (۱۳۶۲). *التفهیم لاوائل ضاعه التنجیم*، تهران: بابک.
۲۵. هیس، ه.ر. (۱۳۴۰). *تاریخ مردم شناسی*، ترجمه ی ابوالقاسم طاهری، تهران: ابن سینا.
۲۶. هیلنز، جان (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ی ژاله آموزگار - احمد تفضلی، تهران: بی نا.
۲۷. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران: معاصر.
۲۸. یونگ، کارل گوستا (۱۳۵۲). *انسان و سمبول هایش*. ترجمه ابوطالب صارمی. تهران: پایا.
۲۹. مصاحبه با آقای یدالله نیکزاد از متصدیان قلعه چالستر واقع در استان چهارمحال و بختیاری در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۴.
30. Gimbutas, M (1989), *The language of the Goddess*, New York: Harper Collins.
31. Gimbutas, M (1991), *The Civilization of the Goddess*, York: Harper Collins.
32. Golan, A (1991), *Myth and symbol, Symbolism in Prehistoric Religion*, Jerusalem: Schoen Books.
33. Hodder, Ian. (1982) *Symbols in action: ethno archaeological studies of material ethno archaeological studies of material culture*. Cambridge university press.
34. Streiter, Oliver, Leonhard voltmer, and Yoann Goudin. (2007) *From Tombstones to corpora: TSML Goudin. For Research on language, culture, Identity and Gender Differences*. PALIC21, Specific Asia conference on language information and computation.
35. Turner, Victor. *Symbolic studies* (1975). *Annual Review of Anthropology* .

Abstract

Graves stone have symbolic value. Among these, there are stony statues of lion and ram. Stony statues have no merely decorative aspect and in addition to direct reference to some of the concepts, they are documents that describe the religious, cultural, and social characteristics of their time. these statues As part of the Iranian people's culture, have many mysteries in their self, that discovering each of Their Secrets can tell us about a part of past people's culture. The researches on these statues were more focused on stony lions and it can be said that the stony ram's statues are located on the margin of stony lions and less researches have been examined directly about them. As well as more researches have been doned about the Appearance of statues, aesthetic importance with a quick look at their history and less researches have been examined about their symbolic role and their rank in symbolic culture and their relationship with ancient symbols. In this article, we attempt to examine ram in the symbolic culture, also it is tried to examine the relationship between these statues with ancient symbols and myths, including Farah Izadi.

Data and data are collected by field studies and library studies and analyzed using descriptive-analytical methods. The results of this research indicate that the stony rams link with the myth and symbol of the ram in the past.

Keywords: stony ram, stony statue, Farah Izadi, symbol of ram